

## جستاری بر پدیده ناامنی و امنیت در استان سیستان و بلوچستان با رویکرد منطقه‌ای: تحلیل مبتنی بر عملکرد شهرستان

احسان درستکار\*

۱- پژوهشگر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
مکان امنیت امنیت پایدار سیستان و بلوچستان رویکرد منطقه‌ای تحلیل سلسله مراتبی	در فرآیند انزوا و در حاشیه قرار گرفتن مکانی مناطق پیرامونی خصوصیات آمایش سرزمینی نیز کم رنگ شده‌اند. بنابراین، حاشیه مناطق محلّ تلاقی دو پدیده ناامنی و توسعه نیافتگی می‌باشد. از آنجا که رویکرد این پژوهش کاربرد نظامی است به همین دلیل به ابعاد امنیت پرداخته شده است. مسأله مورد توجه درباره جنوب شرق ایران این است که مناطق پیرامونی به عنوان یکی از بارزترین موارد نابرابری فضایی به لحاظ توسعه در کشور معرفی شده‌اند و به دلیل دورافتادگی و پرت بودن و بویژه گسستگی فضای سرزمینی آن از بقیه کشور تأثیرگذاری این منطقه در مقیاس کشوری را بسیار کم رنگ کرده است و باعث شده این استان از مناطقی باشد که جزء یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور محسوب گردد. از این رو، هدف پژوهش ارزیابی امنیت در ابعاد کلی با توجه به رویکرد تحقیق می‌باشد. پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی و از نوع تحقیقات علمی می‌باشد و بر اساس ماهیت و روش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. ماهیت داده‌های مورد استفاده کمی است و شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات میدانی و اسنادی می‌باشد. چارچوب نگارش بر پایه رابطه متقابل شاخص‌های امنیت در ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی، جمع آوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی (مصاحبه) و تهیه پرسشنامه شکل گرفته است. در مجموع نتیجه‌گیری‌ها و بررسی شاخص‌های امنیت شهرستان‌های فوج، دلگان، زابل، قصرقند و مهرستان (زابلی) دارای بیشترین میزان امنیت و کمترین میزان خطر می‌باشند.

۱- مقدمه  
پرداخته شده است. توسعه و امنیت لازم و ملزوم یکدیگر است. به عبارت دیگر، توسعه نیافتگی در مناطق پیرامونی که منجر به ناامنی می‌شود اثرات خود را بر توسعه نیافتگی و ناامنی در کل کشور می‌گذارد. در ادامه عنوان می‌شود که مسأله مورد توجه درباره جنوب شرق ایران این است که مناطق پیرامونی به عنوان یکی از بارزترین موارد نابرابری فضایی به لحاظ توسعه در کشور معرفی شده‌اند و به دلیل دورافتادگی و پرت بودن و در حاشیه بودن و بویژه گسستگی فضای سرزمینی آن از بقیه کشور تأثیرگذاری این منطقه در مقیاس کشوری را بسیار کم رنگ کرده است و باعث شده این استان از مناطقی

رشد و توسعه که قسمتی از آمایش سرزمین محسوب می‌گردد، همواره در سایه حداقلی از امنیت فراهم گردیده و همواره جستجوی امنیت از مهم‌ترین انگیزه‌ها و نیازهای انسان بوده است که مهم‌ترین نیاز همه اجتماعات محلی، ملی و منطقه‌ای به شمار می‌رود. در فرآیند انزوا و به حاشیه کشیده شدن مناطق پیرامونی خصوصیات آمایش سرزمینی نیز کم رنگ شده‌اند. بنابراین، حاشیه مناطق محلّ تلاقی دو پدیده ناامنی و توسعه نیافتگی می‌باشد. از آنجا که رویکرد این پژوهش کاربرد نظامی است به همین دلیل به ابعاد امنیت

باشد که جزء یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور محسوب گردد.

## ۲- بیان مسأله

شرق کشور با مشکلات مختلفی روبرو است. این مشکلات از عدم توسعه مناسب و تعادل و توازن مطلوب بین شرق و غرب کشور ناشی می‌شود. دلایل عدم توازن بین غرب و شرق کشور نیز از عوامل مختلفی ناشی می‌شود. مانند عوامل جغرافیایی، دفاعی، نظامی، امنیتی، جمعیتی، صنعتی و غیره می‌باشد. از این رو، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در این حوزه عوامل امنیتی می‌باشد. منطقه‌ای که از قدرت امنیتی مطلوبی برخوردار باشد می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری توسعه متوازن در منطقه و سرزمین گردد. با افزایش امنیت و ارائه راهکارهای امنیتی مناسب با پهنه سرزمین می‌توان شاهد استقرار و پایداری در حفظ جمعیت و جلوگیری از مهاجرت‌های جمعیتی شود. با توجه به توضیح فوق سؤالی که در این تحقیق مد نظر ما می‌باشد وضعیت امنیت در ابعاد نظامی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان است.

## ۳- اهداف تحقیق

در این پژوهش به بررسی عوامل تأثیرگذار نظامی استان و آمایش سرزمینی پرداخته و سپس با تأکید بر امنیت پایدار به عنوان یکی از عوامل مهم مغفول مانده در آمایش سرزمین به راهکارها و ضوابط مورد نیاز را در این راستا دستور کار پژوهش قرار دادیم. از این رو، اهداف این پژوهش را می‌توان به صورت زیر بیان نمود: هدف آرمانی: دستیابی به امنیت پایدار در استان سیستان و بلوچستان، هدف کلی: زمینه‌سازی مناسب برای رسیدن به تعادل و توازن بین دو نیمه کشور با افزایش سطح امنیت، هدف جزئی: ارزیابی امنیت در ابعاد کلی با توجه به رویکرد تحقیق، می‌باشد.

## ۴- جستاری بر پدیده ناامنی و امنیت

ناامنی به شرایط ناشی از فقدان سلامت اقتصادی اطلاق می‌شود که نتوان در برابر زیان‌های اقتصادی عمده از خود حفاظت کرد. از آنجا که این تعریف ذهنی و آینده نگر است، دامنه امنیت اقتصادی با تغییراتی روبرو بوده است. در اعلامیه حقوق بشر آمده است: هر کس حق دارد که خود و خانواده‌اش از استانداردهای شایسته سلامت و رفاه شامل غذا، پوشاک، مسکن،

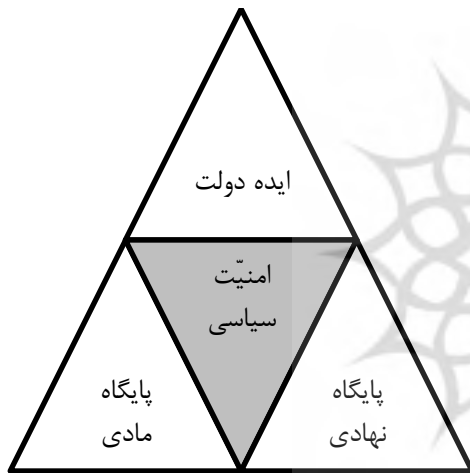
مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری و داشتن تأمین در مواقع بیکاری، بیماری، ناتوانی، بیوه شدن، پیری و سایر زیان‌های محتمل در شرایط خارج کنترل خود برخوردار باشد (Osberg, 2009: V). اگرچه برخی ناامنی‌ها برای پویایی اجتماعی - اقتصادی و توسعه جوامع ضروری است، با وجود این، بدون داشتن امنیت پایه انسان‌ها قادر به اتخاذ تصمیم‌های عقلانی نیستند. عناصر امنیت پایه عبارتند از: آزادی از امراض، آزادی از هراس، کنترل پیشرفت خود، خودمنزلیت پایدار. مردمی که فاقد امنیت پایه باشند، از نظر اجتماعی بی مسئولیت خواهند بود. آنها فرصت طلبانه رفتار خواهند کرد و به دور از اعتدال خواهند بود. چنین جامعه‌ای مستعد بی‌ثباتی و حرکات افراطی و شورش است. ناامنی اساساً بد است و موجب می‌شود مردم کمتر خلاق باشند و کمتر سراغ فعالیت‌های مفید همراه با ریسک بروند. آنها فرصت طلب‌اند و با انتخاب‌هایی محدود روبرو می‌شوند. ناامنی به نااطمینانی دامن می‌زند و آسیب‌پذیری را افزایش می‌دهد. اندازه‌های از ناامنی و نااطمینانی هم برای پویایی اقتصادی و پیشرفت افراد لازمه رشد است. به لحاظ تاریخی نیز سرمایه‌داری بر مبنای بده بستانی ناجور شکل گرفت، زیرا صاحبان سرمایه‌ها و ثروت‌های سرشار، ناامنی شرایط همراه با ریسک کارآفرینی را به جان خریدند و در مقابل، بیشترین بهره رشد اقتصادی را نیز صاحب شدند. با این حال، در دهه‌های اخیر و به طور روزافزونی در آینده به نظر می‌رسد کارگران معمولی و جوامع کارگری و حاشیه‌ای در اقتصادهای سرمایه‌داری مجبورند بدترین شکل‌های ناامنی را تحمل کنند، در حالی که ثروتمندان بزرگ در حفاظت خوبی از امنیت به سر می‌برند. امنیت اقتصادی در دنیای پس از جنگ سرد، به طور روزافزونی به عنوان بُعدی از امنیت مطرح شد. دانش پژوهان و سیاست‌گذاران ضمن تأیید ارتباط امنیت اقتصادی با سلامت جامعه، به دنبال راه‌های جدید برای وارد کردن موضوعات اقتصادی در راهبردهای سنتی دفاعی بوده‌اند. خطر بزرگی که امروز در مورد نظریات رایج امنیت اقتصادی وجود دارد این است که به غلط آن را تنها بُعد مهم در امنیت ملی تلقی کنیم، چنان که در دوران گذشته نیز چنین برداشتی درباره امنیت نظامی وجود داشت. امنیت اقتصادی عبارت است از: میزان حفظ و ارتقاء شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای

سرمایه‌داری در نظریه تخریب خلاق شومپتر<sup>۱</sup> نیز به همین بحث اشاره دارد. در نتیجه این دیدگاه هر تلاشی برای امنیت افراد الزاماً باید از طریق رشد و پیشرفت کلی اقتصاد فراهم شود. بنابراین، جامعه‌شناسی اقتصادی برداشتی کاملاً متفاوت از بازار در مقایسه با الگوهای نئوکلاسیکی و شومپتری ارائه می‌دهد. در این برداشت، عاملان بازار در تلاش برای بقاء به دنبال تعاملات باثبات با رقبای عرضه‌کنندگان، کارگران، مصرف‌کنندگان و دولت‌ها هستند. بدون این ارتباطات گسترده اجتماعی باثبات، بنگاه‌ها هیچ شانس برای کارآمدی و کسب سود و بقاء در بازارهای رقابتی ندارند. این نکته بیان می‌کند که روابط میان امنیت اقتصادی و امنیت انسانی متقابلاً تقویت‌کننده است. البته اینکه بازارها برای عملکرد کامل خود نیازمند ترتیبات اجتماعی باثبات‌اند به ما نمی‌گوید چه میزان ثبات لازم است. روشن است توزنی میان ثبات بازار از یک طرف و شکست‌های اقتصادی به عنوان بخشی از واقعیت تحول‌دینامیک از طرف دیگر، باید وجود داشته باشد. هم چنین مهم است که توجه کنیم هر مفهومی از امنیت اقتصادی مسائلی از حمایت‌گرایی را در پی دارد. برای بوزان خطر ایده امنیت اقتصادی آن است که در ایجاد امنیت برای اقتصاد کلان بخواهند بنگاه‌ها را حتی از رقابت عادی بازار که ابزار بقاء آنهاست، در امان دارند (Nesadurai, 2005: 11). امروزه بعد اقتصادی امنیت ملی چنان تغییراتی یافته که جای بعد نظامی را گرفته و به تدریج به عنوان نقطه مرکزی، از دیدگاه تحلیل‌گران راهبردی درآمده است (به طوری که برخی به غلط استدلال می‌کنند در حال حاضر امنیت اقتصادی تنها بعد حیاتی امنیت است). در حالی که زمانی قدرت اقتصادی فقط به عنوان مبنایی برای تقویت قدرت نظامی محسوب می‌شد، در چارچوب در حال تحول امروزی درباره امنیت اقتصادی تأکید اصلی بر قابلیت رقابت اقتصادی و موفقیت در بازارهای بین‌المللی است و از جمله تعاریف پذیرفته شده عمومی امنیت اقتصادی این است: مقدار کالاها و خدمات تولیدی یک کشور تحت شرایط آزاد و عادی بازار که قابل عرضه در بازارهای بین‌المللی باشد و همزمان درآمد واقعی شهروندان را نیز افزایش دهد. برای مثال، آمریکا حفظ موقعیت رقابتی مناسب خود در مقابل ژاپن و آلمان را در زمینه اقتصادی، موضوع مهم امنیتی قلمداد می‌کند (ماندل، ۱۳۸۷: ۵۷).

بین‌المللی. در حالی که به طور سنتی امنیت اقتصادی دو عنصر اصلی، یکی استفاده از امکانات اقتصادی به عنوان یک اهرم، و دیگری، بنیان اقتصادی قدرت نظامی داشته است، افزایش وابستگی متقابل اقتصادی و سیاسی شدن فزاینده موضوعات اقتصادی باعث ایجاد آسیب‌پذیری بیشتر دولت‌های ملی شده است، زیرا این واحدها بیش از هر زمانی در گذشته برای تأمین نیازمندیهای زندگی روزمره به یکدیگر وابسته‌اند (ماندل، ۱۳۸۷). از نظر بوزان، "بحث از امنیت اقتصادی در جامعه سرمایه‌داری جایی ندارد، زیرا سرمایه‌داری رقابتی بر اساس درجه بالایی از ناامنی پایدار برای همه واحدها (اعم از افراد، بنگاه‌ها و دولت‌ها) مبتنی است، لذا اساساً واژه‌های امنیت اقتصادی و سرمایه‌داری قابل جمع نیستند" (Udovic, p10). امنیت اقتصادی از جهتی زیر مجموعه مفهوم جامع‌تری به نام امنیت انسانی است. مطابق گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۹۴، ایده امنیت انسانی افراد را به عنوان مرجع امنیت مورد تأکید قرار می‌دهد و هفت زیرمجموعه شامل امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت بهداشتی، امنیت زیست محیطی، امنیت شخصی، امنیت جمعی و امنیت سیاسی را با هم ترکیب می‌کند. امنیت انسانی به طور دقیق‌تر، مشتمل بر حمایت در برابر شکست‌های ناگهانی و زبان‌آوری که در الگوهای زندگی روزمره در منازل، مشاغل یا اجتماع رخ می‌دهد و نیز در امان بودن از تهدیدهای مزمن مانند گرسنگی، بیماری و رکود است (Nesadurai, 2005: 9-10). اگرچه در رهیافت برنامه توسعه سازمان ملل امنیت اقتصادی به روشنی یکی از ابزارهای دستیابی به امنیت انسانی است، برخی مدعی‌اند این دو مفهوم در تناقض با یکدیگرند. به طور خاص مطابق این نظر، اگر امنیت اقتصادی برای افراد به معنی امنیت اشتغال، درآمد و سطح مشخصی از مصرف به کار رود، در تضاد با منطق اقتصاد بازاری قرار خواهد گرفت و لذا، زیربنای نظریه رشد اقتصاد ملی فرو خواهد ریخت. البته به نظر این افراد، رابطه معکوس میان امنیت انسانی و امنیت اقتصادی به نوع الگوی مورد استفاده در استنتاج این روابط بستگی دارد. برای مثال، در دیدگاه نئوکلاسیکی وجود ناامنی اقتصادی برای افراد موجب می‌شود که آنها در جستجوی کار برآیند. الگوی پیشرفت

جستاری بر پدیده ناامنی و امنیت در استان سیستان و بلوچستان با رویکرد منطقه‌ای: تحلیل مبتنی بر عملکرد شهرستان

اصول دولت و حکومت دارند که تاریخی و فرهنگی، یعنی برآمده از اصول، باورها و ارزش‌های آن هاست، آنها در ذهن خویش برای دولت وظایف و ماموریت‌هایی قائل‌اند که در امور مختلف آنها را انجام می‌دهد. بی‌گمان یکی از وظایف همیشگی دولت دفاع از کشور و برقراری نظم بوده است. این ذهنیت و ایده وقتی تحقق می‌یابد که یک سرزمین معین و دارای مرزهای روشن باشد و دیگر آن که دولت باید تأسیسات حکومتی و اجرایی لازم را برای عمل و اجرا داشته باشد تا بتواند از طریق آن، به وظایف خود بپردازد و ایده را تحقق بخشد. در این سه مؤلفه و سه عنصر مرتبط به هم اگر فردی یا جمعی دچار تهدید شوند، امنیت سیاسی دولت و جامعه به خطر می‌افتد. در واقع امنیت سیاسی حاصل ثبات در وضع زیر (نمودار ۱) است.



نمودار ۱- ارکان سه‌گانه امنیت سیاسی دولت محور بر این اساس، رویکرد امنیت پژوهی باری بوزان از حیث بنیادهای فلسفی و تاریخی در ذیل نظریه سیاسی مدرن قرار می‌گیرد که ریشه در افکار متفکران سیاسی کلاسیک مانند هابز، لاک و دیگران دارد. در منظومه اندیشه سیاسی مدرن، تأسیس دولت تجویزی حاصل خرد سیاسی است؛ یعنی بقاء فرد انسانی و رسیدن او به خوشبختی، رفاه و آسایش، جزء با زندگی در یک جامعه برآمده از قرارداد ممکن نیست. فرد فرد انسان‌ها حق ذاتی خویش را به یک داور و مرجع مشترک وامی‌نهند تا او ترتیبات لازم را برای امنیت، بقاء و رفاه فراهم

“برای ارائه تعریفی جامع از امنیت اقتصادی باید عوامل مرتبط با سه حوزه مهم کلان، میانی و خرد را برای اجتناب از ناامنی اقتصادی مشخص کنیم” (Udovic, p9).

از دیدگاه امنیت ملی، توزیع جهانی کالاها و خدمات اقتصادی به طور قابل ملاحظه‌ای آشفتگی شده است. ملاحظات متعددی نشان می‌دهد در دهه گذشته، شکاف بین فقرا و اغنیا در داخل و بین ملت‌ها بیشتر شده است و همین الگو آشکارا امنیت اقتصاد ملی را تهدید می‌کند. به هر حال، ارزیابی کنترل اقتصاد ملی (یکی از عوامل درک توزیع قدرت اقتصادی) در جهانی که اعضای آن به شدت به هم وابسته‌اند، بسیار مشکل شده است. رایش معتقد است: “ما در دورانی از تحول زندگی می‌کنیم که سیاست و اقتصاد قرن آینده را تغییر خواهد داد و در آن قرن هیچ‌گونه محصول یا فناوری ملی یا شرکت و صنعت ملی وجود نخواهد داشت این گونه ملیت زدایی از مالکیت و کنترل، آشکارا این مسئله را که چه کسی حاصل و بازده سرمایه را به خود اختصاص می‌دهد، مبهم کرده است” (ماندل، ۱۳۸۷: ۸۷-۸۸). در واقع امنیت اقتصادی در بُعد امنیت ملی یک مسئله پیچیده بوده و همان طور که اشاره شد گاه با امنیت نظامی به اشتباه تلقی می‌شود. در اندیشه سیاسی مدرن و نظریه امنیت بوزان که در این پژوهش به آن بسیار تأکید شده است، دولت در فضای آنارشی، مسئول امنیت و مراقبت از آن است. از این دیدگاه، دولت‌ها موضوع اصلی امنیت هستند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۷). زیرا دولت ملی چارچوب نظم (در قبال آنارشی) مرجع حاکمیت است. بوزان با این نتیجه گیری که اولاً دولت موضوع امنیت است و دیگر این که دولت ملی چارچوب و مرجع تأمین امنیت است، غیر مستقیم به این نکته اشاره دارد که دولت ابتدا باید امنیت خود را به عنوان سازمان مرجع، تأمین کند تا بتواند به ایفاء وظایف امنیتی بپردازد. برای همین است که او در طی دو فصل از کتاب به اهمیت دولت و حفظ شأن، اقتدار و جایگاه آن از طریق تشریح امنیت سیاسی می‌پردازد. دولت در دیدگاه بوزان (معطوف به امنیت) شامل سه حوزه مرتبط به هم است که هر سه باید از تهدید و خطر رها باشد تا امنیت سیاسی حاصل آید. مردمان و دولت‌ها همواره یک تلقی و دریافت از فلسفه و

Beden<sup>۵</sup>  
Lak<sup>۶</sup>

Reich<sup>۲</sup>  
Anarchi<sup>۳</sup>  
Hobbes<sup>۴</sup>

آورد. از این منظر است که ضرورت تأسیس دولت مطرح می‌شود. تحلیل بوزان از رابطه فرد و دولت که در بحث امنیت مطرح می‌شود، مبتنی بر اصول و مبانی نظریه سیاسی جدید است. دولت مدرن یا دولت ملی در یک قلمرو سرزمینی و در محیط بین‌المللی شکل می‌گیرد. این دولت ضرورتاً تأسیسی و تجویزی است و به همین دلیل واجد ایده (آرمان، ارزش‌ها و ایدئولوژی) و نهاد‌های سیاسی در محدوده سرزمین است. ضرورت تجویزی تأسیس دولت، نقطه تولد بحث امنیت سیاسی است؛ زیرا بقاء دولت مقدمه تحقق اهداف جامعه است. اگر دولت، سازمان ساماندهی به زندگی جمعی و حل و فصل منازعات، وجود نداشته باشد، حاصل کار جنگ همه با همه و مرگ خشونت بار خواهد بود. پس مبنای حفظ اهمیت و جایگاه دولت و مراقبت از عناصر آن و استقلال آن در برابر دیگر نیروهای اجتماعی و محیطی، در بحث از امنیت سیاسی موضوعیت پیدا می‌کند. در اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>(ع)</sup>، هم تأسیس حکومت اسلامی و هم حفظ و مراقبت از آن واجب است و حتی بر احکام اولیه و ثانویه هم اولویت دارد. بنابراین، چارچوب نظری امنیت سیاسی در اندیشه بوزان، ما را در تحلیل اهمیت، جایگاه و ضرورت حفظ و مراقبت از نظام سیاسی کمک می‌کند. گرچه این دو نظام سیاسی دارای محتوا و اصول و ارزش‌های متفاوتی است، در اینکه هم در نزد بوزان و هم در اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>(ع)</sup>، ضرورت تأسیس دولت و لزوم حفظ و بقاء آن اهمیت دارد، شکی نیست. به بیان دیگر، در کانونی‌ترین مسئله نظریه سیاسی یعنی تأسیس و مراقبت از حکومت، هر دو دیدگاه از این حیث قابل تأمل است. "ادله یا شاخص‌های زیر بر امنیت سیاسی دلالت دارد؛ الف. اهمیت بالای دولت به عنوان سازمان بزرگ سیاسی و حاکمیتی؛ ب. اهمیت سه پایه ایدئولوژی، پایگاه مادی و مظاهر نهادی؛ ج. وجود تهدیدهای امنیتی بیرونی و درونی" (اردکانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۶).

امنیت نظامی مقوله‌ای عینی، واقعی و ملموس، ناظر بر ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و کارآمدی نیروهای مسلح در حفاظت از تمامیت ارضی و مرزی، حراست از مردم و منافع ملی و توان مقابله و شکست تهدیدات و عملیات نظامی دشمنان و وصول به برتری نظامی است. امنیت نظامی مصونیتی است که هم با

ابزار نظامی به خطر می‌افتد و هم با ابزار نظامی تأمین می‌شود و همان‌گونه که از عنوانش پیداست، جنس آن نظامی است و عبارت است از به رسمیت شناخته شدن حق یک فرد، گروه و ملت در دفاع از جان، مال، ناموس، وطن و حکومت مطلوبش در مقابل تعرض‌ها و تجاوزات قهرآمیز مسلحانه (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۹۱). "امنیت نظامی از شقوق امنیت و تابعی از امنیت ملی است و به آثار متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت‌ها و برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط است" (بوزان، ۱۳۸۷: ۳۴). همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد "امنیت نظامی به معنای میزان توانایی قابلیت نیروهای مسلح یک کشور برای حفاظت از حکومت و مردم در مقابل تهدیدهای قهرآمیز نظامی و غیر نظامی است" (ماندل، ۱۳۸۷: ۷۶). مفهوم امنیت نظامی در هر واحد سیاسی متناسب با سیاست‌ها، راهبردها و رهنامه‌های تدوین شده متفاوت است و طیفی از اقدامات مانند تهاجم و دفاع را برای حفظ ماموریت نیروی مسلح در بر می‌گیرد. "در بُعد نظامی امنیت ملی، تأکید بر مسئله حفاظت مستقیم فیزیکی از قلمرو دولت و ساکنان آن فراتر رفته است و در مسئله دیدگاه ملی از امنیت نظامی، در حالی که توانایی جنگ کردن و پیروزی نظامی در آن هنوز هم هدف محوری است، ولی در بسیاری از کشورها تأکید بر جنگ سنتی به سوی کشمکش غیر سنتی کم‌شدت معطوف شده است" (همان منبع، ۷۲). موضوع اصلی امنیت نظامی، بر محور جنگ و ابزارهای زور دور می‌زند. هدف مشخص امنیتی در این حوزه عبارت است از جلوگیری از بروز جنگ و در صورت واقع شدن، پیروزی در آن. در رویکردی جهانی به امنیت نظامی، اهداف مورد نظر عبارتند از: "توان ایجاد، حفظ و کاربرد مؤثر اتحادیه‌های نظامی". "موفقیت در تلاش‌های چند جانبه برای جلوگیری از وقوع جنگ و پایان بخشیدن به آن یا دستیابی به کنترل تسلیحات" (همان منبع، ۷۲). رویکرد نظامی، اولین رویکرد منسجم در حوزه مطالعات امنیت ملی است که برای دوره زمانی طولانی در کانون توجه تحلیل‌گران امنیتی و دولت مردان قرار گرفته است. اگرچه تحولات ناشی از جنگ جهانی دوم و در پی آن فروپاشی شوروی، انتقادهایی را نسبت به این رویکرد وارد کرد و محور بودن آن را در عرصه مطالعات امنیتی زیر سؤال برد، اما حقیقت آن است که آنچه اتفاق افتاده، مربوط به تغییر چهره نظامی‌گری در این حوزه از مطالعات است. در واقع این موضوع

اگر گروه‌های مختلف جامعه، اطمینان خاطر خود نسبت به سلامت جامعه را از دست بدهند و با تکیه بر وجوه تمایز مذهبی، دینی و قومی، در مشروعیت ارزش‌های حیاتی تردید کنند، آنگاه نظام اجتماعی جامعه از هم گسیخته می‌شود و زمینه برای جنگ داخلی، مداخله خارجی، بی‌اعتمادی و امنیتی شدن مسائل عادی مهیا می‌شود. امنیت اجتماعی به معنای تمهید فضا و ابزارهای لازم برای ابراز وجود و طرح نظر گروه‌های مختلف اجتماعی از قبیل زنان، جوانان، اقوام و اقلیت‌ها، هنگامی مؤثر و مطرح است که به عنوان یک امر گریزناپذیر یا یک ارزش پذیرفته شود. امنیت اجتماعی مورد نظر، اطمینان خاطر جامعه در قبال تحولات عادی و تحرکات عمدی معطوف به سلامت و هویت خود است. همان گونه که دیده می‌شود در این تعریف، هویت گروهی فقط یکی از منابع نگرانی جامعه است. "غالب اندیشمندان غربی - از جمله اندیشمندان مکتب کپنهاگ - موضوع یا مرجع اصلی امنیت اجتماعی، را ارزش‌های سنتی و از پیش موجود گروه‌های اجتماعی<sup>۸</sup> می‌دانند" (ویور: ۱۹۹۵، ۱۰). این ارزش‌های سنتی مانند عقاید دینی، زبان و نوع پوشاک، در مجموع "هویت" گروه‌های مختلف را تشکیل می‌دهند. از این منظر، تصریح می‌شود که دولت، یگانه مرجع امنیت نیست، چه بسا هیچ تهدیدی تشکیلات دولتی و رسمی را تهدید نکند، اما در عین حال گروه‌های مختلف جامعه از هم گسیخته شوند و جلوه‌هایی از نارضایتی در قالب اعتراض، اعتیاد، بی‌اعتمادی، جنایت‌های سازمان یافته و یا موردی پشتوانه اجتماعی دولت را فرسوده کنند. برخورداری از اهمیت برابر (با دولت) یکی از مسائل مورد تأکید در امنیت اجتماعی (نزد اندیشمندان غربی) است. بر این اساس، نابرابری باید تا حدی وجود داشته باشد که به نفع محروم‌ترین گروه‌های جامعه باشد و آزادی نباید به حدی برسد که برابری را فقط کانون‌های ثروت (سرمایه گذاران)، قدرت (حکام) و ایدئولوژی (کلیسا) تعریف کنند. آخرین نکته در گفتمان غربی امنیت اجتماعی، (علاوه بر برابری خواهی، اصالت هویت و ذهنی بودن بسیاری از دغدغه‌ها) ماهیت نسبی<sup>۹</sup> ارزش‌های اساسی گروه‌ها است. بدین مضمون که ارزش‌های اساسی یک گروه در یک کشور متفاوت از ارزش‌های اساسی یک گروه در کشور دیگر شمرده می‌شود.

با حفظ اهمیت و اولویت خود در ورای ملاحظات خاص خود کماکان در عرصه امنیت مورد اهتمام قرار گرفته است و از سوی دیگر تلاش کشورهای توسعه یافته برای پرداختن به ابعاد و توانمندی‌های نظامی، تأییدی بر این مدعاست و در واقع، در رویکردهای نوین نظامی، برخلاف گذشته جنگ و توان نظامی حرف اول و آخر را نمی‌زند، اما با این حال، بیش از پیش، بر شأن ابزاری نیروی نظامی تأکید می‌کند. "بخشی از مفهوم امنیت نظامی با رقابت تسلیحاتی و وابستگی نظامی در هم تنیده شده است" (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۴۴). در جمهوری اسلامی ایران، امنیت نظامی در قالب امنیت دفاعی معنا پیدا می‌کند و هدف نیروهای مسلح دفاع از نظام مقدس جمهوری اسلامی کشور، تمامیت ارضی در مقابل تهدیدات نظامی بیگانه است.

"ما در حال دفاع از خودمان هستیم. ما به قدر دفاع از خودمان خود را مسلح می‌کنیم، نه بیشتر و در این مسلح کردن می‌خواهیم متکی به خودمان باشیم. ما از این که بخواهیم پول این ملت را برای جلب سلاح‌های مختلف از اطراف عالم که برای ما لازم و در دفاع مؤثر نباشد صرف کنیم، بیزاریم. ما نظامی‌گری را برای دولت و کشور خود نمی‌پسندیم"<sup>۷</sup> در مجموع مفهوم امنیت نظامی ناظر بر حصول اطمینان نظام فرماندهی نیروهای مسلح از شکست تهدیدات و عملیات نظامی دشمنان و وصول به برتری نظامی مبتنی بر ایمان، بصیرت دینی، مقاومت، آمادگی‌های نظامی بازدارنده، قدرت و توان رزم مؤثر تحت تدابیر و فرامین ولی فقیه است. امنیت ملی و امنیت دولت لزوماً به معنای امنیت جامعه نیست. با وجود همپوشانی معنایی بین امنیت ملی، امنیت اجتماعی و امنیت فردی، باید توجه داشت که مرجع آن سه مفهوم متفاوتند؛ بدین مضمون که مرجع اصلی امنیت ملی، دولت و حاکمیت ملی است، مرجع امنیت اجتماعی، جامعه است و مرجع امنیت فردی عبارت است یکایک شهروندان. در امنیت اجتماعی بر احساس امنیت گروه‌های اجتماعی، معیار سنجش، سطح امنیت است. اگر جمعیت تشکیل‌دهنده یک کشور نسبت به ارزش‌های حیاتی مانند تمامیت ارضی و رژیم سیاسی احساس تعلق کرده و در احیاء و ارتقاء هویت ملی بکوشند، انسجام اجتماعی وجود دارد. اما

Primordial<sup>۸</sup>  
Relational<sup>۹</sup>

<sup>۷</sup> امام خامنه‌ای، حدیث ولایت، دیدار با کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۷/۱۱/۱۹

معتبر داخلی و خارجی، تا کنون پژوهشی که دقیقاً به اولویت-بندی شاخص‌های امنیت یا رتبه‌بندی استان خاصی بر اساس شاخص‌های امنیت پرداخته باشد، صورت نگرفته است. لذا در ادامه به تعدادی از پژوهش‌هایی اشاره شده است که به نوعی موضوع امنیت در آنها مورد تاکید شده است.

اولسن و هاودن<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان ایمنی اجتماعی: مفاهیم، مرزها و معضلات آن، امنیت اجتماعی را در رابطه با ایمنی‌های مرتبط با زمینه‌هایی از قبیل امنیت ملی، سازگاری با توسعه محیط زیست، امنیت انسانی و مدیریت حادثه و اعمال جنایی مرتبط دانسته است. مختاری، بلالی، میرفردی و حسینی اخگری (۱۳۹۱) به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان افراد جوان و افراد مسن، میان افراد مجرد و متأهل، میان اقوام مختلف از نظر احساس امنیت اجتماعی وجود دارد. همچنین، رابطه مستقیم و معناداری بین متغیرهای مستقل پایگاه اقتصادی-اجتماعی، اعتماد اجتماعی، میزان دینداری، نگرش نسبت به عملکرد پلیس و متغیر وابسته میزان احساس امنیت اجتماعی دیده شده است. ضرابی، شرفی و زنگنه (۱۳۹۱) در تحقیق خود به سنجش عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان شهر مشهد با تأکید بر عملکرد پلیس و رسانه‌های جمعی پرداخته‌اند. نتایج بیانگر آن است که بین احساس امنیت شهروندان و شاخص‌های عملکرد رسانه‌ها و عملکرد پلیس رابطه معناداری وجود دارد. ابراهیم‌زاده، یاری، فراهانی و صحرایی (۱۳۹۲) پژوهشی با هدف بررسی احساس امنیت شهروندان زاهدان با تأکید بر عملکرد پلیس انجام داده‌اند. نشان می‌دهد که بین نگرش به فعالیت‌های اجتماعی پلیس و میزان احساس امنیت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. اما بین سن و احساس امنیت شهروندان تفاوت معناداری وجود نداشته و بین نگرش به رفتار حرفه‌ای پلیس و میزان احساس امنیت شهروندان رابطه معناداری وجود ندارد. زین‌العابدین، نظری و احمدی ارکمی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای به بررسی و شناسایی مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و میزان تأثیرگذاری و اولویت‌بندی هر یک از این مؤلفه‌ها بر امنیت شهروندی در شهر رشت پرداخته است. یافته‌های تحقیق مبین اثرگذاری

ممکن است گروهی نسبت به اعتقادات دینی و گروهی دیگر نسبت به زبان خود حساسیت فوق‌العاده‌ای داشته باشد. این نکته را نباید فراموش کرد که در برداشت غربیان از امنیت اجتماعی، تجدید یا گسترش ارزش‌های حیاتی متعلق به گروه‌های خاص در جامعه، ربط وثیقی با معادلات قدرت در سطح منطقه و نظام بین‌الملل دارد. طی دوران جنگ سرد (۱۹۹۰-۱۹۴۵) بین دولت و جامعه وجه فارق وجود داشت و اساساً، این دولت بود که هم تهدید می‌کرد و هم تهدید می‌شد. اما طی دو دهه اخیر با دگرگونی غیرقابل انکار وزن و رابطه جامعه-دولت و توانمند شدن زایدالوصف جوامع در قبال دولت‌ها، امنیت جامعه اعتبار شایانی یافته و حتی مقوله مستقل و جدیدی به نام "امنیت اجتماعی" پدیدار شده است. نکته دیگر این که، مفهوم رضایت اجتماعی نه تنها خاستگاه و پایگاه اجتماعی امنیت را برجسته ساخته، بلکه درجه قوت دولت‌ها هم به مشروعیت سیاسی و آنها بستگی یافته است. نارضایتی شهروندان، خود به خود نوعی آسیب‌پذیری درونی است که زمینه تهدید از بیرون را مهیا می‌سازد. ویور<sup>۱۲</sup> در رساله دکتری خود عنوان کرد که "امنیت اجتماعی عبارت است از توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، ملی، جنسی و غیره در حفظ هویت یا ارزش‌های سنتی خود".<sup>۱۳</sup> تعریف ویور مشخصاً برداشت غربی و یا اروپایی امنیت اجتماعی را منعکس می‌سازد. بر اساس این تعریف، موضوع امنیت اجتماعی در ایران فقط گروه نیست بلکه فرد نیز به عنوان عضو گروه و مؤلفه سازنده جامعه در شمول امنیت اجتماعی قرار می‌گیرد. هم‌چنین، افراد و گروه‌ها، هم دغدغه موجودیت خود را دارند و هم نگران هویت و انسجام جمعی خود می‌باشند. عناصر اصلی امنیت اجتماعی در ایران با فرض نسبی بودن، تنوع، قابل کنترل بودن، تغییر و چند وجهی بودن مفهوم امنیت اجتماعی در ایران، مهم‌ترین دغدغه‌های ایرانیان (در سطح فردی و گروهی) متغیر می‌باشند. امنیت اجتماعی و مؤلفه‌های آن مانند انسجام گروهی، نظم عمومی، سلامت و مهارت افراد، امید به زندگی و امنیت هویت، نقش مهمی در بقاء و بالندگی ملت‌ها دارند.

##### ۵- پیشینه تحقیق

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در پایگاه‌های علمی

Olsen & Hovden<sup>۱۱</sup>

Weaver<sup>۱۲</sup>

جستاری بر پدیده ناامنی و امنیت در استان سیستان و بلوچستان با رویکرد منطقه‌ای: تحلیل مبتنی بر عملکرد شهرستان

پژوهش در چهار حوزه مطرح شده نگاهی متفاوت به امنیت داشته است تا از نگاه‌های معمول دوری شود و نتیجه پژوهش در فضای سرزمینی به صورت عملی تطبیق داده شود. شاخص‌های امنیت در چهار حوزه نظامی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد که به صورت جداول جداگانه شامل ۱، ۲، ۳ و ۴ ارائه می‌شود. این بخش به عنوان بخش‌های تفکیک شده در استان سیستان و بلوچستان در نظر گرفته شده است. ابتدا شاخص‌های امنیت بررسی می‌شود که عبارتند از:

جدول ۱- شاخص‌های امنیت نظامی

شاخص‌های امنیت نظامی	
پادگان‌های نظامی	امنیت نظامی (کاربرد نظامی)
کلانتری‌ها	
نیروهای نظامی در استان	
پایگاه‌های مرزی	
پایگاه‌های بسیج و سپاه	
وجود تهدیدات نظامی	

مأخذ: نگارنده

جدول ۲- شاخص‌های امنیت اجتماعی

شاخص‌های امنیت اجتماعی	
تأثیرپذیری مردم از فرهنگ بیگانگان (خصوصاً کشورهای افغانستان، پاکستان و هند) فقر فرهنگی و پایین بودن سطح سواد	امنیت اجتماعی
تجهیزات و خودروهای پلیس (تعداد)	
افزایش تفکرات سلفی‌گری و وهابیت	
عدم یکپارچگی مذهب و تعدد طوایف و تضاد منافع اقوام و قبایل و مذاهب	
فرهنگ‌های عشیره‌ای و طایفه‌ای	
بهداشت روانی	
قانون‌گریزی و حمل سلاح‌های غیر قانونی	

مسائل اجتماعی - فرهنگی و مسائل اقتصادی - سیاسی بر امنیت شهروندی شهر رشت است و میزان اثرگذاری مسائل اجتماعی - فرهنگی بر امنیت شهروندی شهر رشت بیش از مسائل اقتصادی - سیاسی است. عادل (۱۳۹۱) به ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در برقراری نظم و امنیت شهرستان بم با رویکرد مدیریت بحران پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از این است که عملکرد ناجا در حوزه‌های عملکرد انتظامی، آگاهی و راهور از منظر کل پاسخگویان از حد متوسط بالاتر است. یآوری بافقی، صالحی- صدقیانی و هاشمی (۱۳۸۹) به تعیین تأثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی کشور پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین قاچاق مواد مخدر و امنیت ملی ایران رابطه وجود دارد و چهار فرضیه مبنی بر اثرپذیری منفی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی امنیت ملی از قاچاق مواد مخدر مورد تایید قرار گرفته‌اند. تاجران و کلالی (۱۳۸۸) تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که توانمندی پلیس یعنی قدرت سخت افزاری و تظاهری پلیس بر عوامل اخلاقی و فعالیت‌های اجتماعی ارجحیت دارد. آزمون فرضیات بیانگر آن است که بین دو متغیر توانمندی عملیاتی پلیس و فعالیت‌های اجتماعی پلیس با احساس امنیت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. هم‌چنین، اگر پلیس در نقش خود از رفتار حرفه‌ای شامل تعهد و صحت عمل، قانونمداری، عدم انجام پارتیبازی و عدم دریافت رشوه بهره ببرد، شهروندان احساس امنیت بیشتری خواهند کرد. محمدی، امیری و جوهر (۱۳۹۳) اولویت‌بندی وضعیت شاخص‌های امنیت اجتماعی و رتبه‌بندی استان‌های کشور از نظر سطح امنیت اجتماعی با استفاده از روش تحلیل رابطه‌ای خاکستری را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این تحقیق گواهی این است که شاخص‌های مذکور از وضعیت نامناسب‌تری در مقایسه با سایر شاخص‌های امنیت اجتماعی برخوردار هستند و توجه بیشتر مسئولان و برنامه‌ریزان را به منظور بهبود وضعیت این شاخص‌ها در راستای ارتقاء سطح امنیت اجتماعی کشور می‌طلبد. هم‌چنین، استان‌های فوق در وضعیت مطلوبی از امنیت اجتماعی قرار نداشته و به عنوان استان‌های با امنیت اجتماعی کمتر شناخته شده‌اند.

لازم به ذکر است که مقوله امنیت با توجه به رویکرد



گروهک‌های مخالف حکومت مرکزی	امنیت سیاسی
گوناگونی سیاسی احزاب	
معاند	
فعالیت باندهای شرور و قاچاقچیان مواد مخدر انسان و کالاو غیره	
نفوذ سران طوایف و عشایر بلوچ	
گسترده‌گی عدم کنترل مناسب و ناپایداری سیاسی در مرزها	
رفت و آمدهای غیر قانونی از مرزها	
همجواری با دو کشور متزلزل پاکستان و افغانستان	
گذرگاه بین المللی مواد مخدر	

مأخذ: نگارنده

#### ۶- شناخت

استان سیستان و بلوچستان با مساحت ۱۸۷۰۵۲ کیلومتر مربع یکی از پهناورترین استان‌های کشور می‌باشد. در سال ۱۳۹۵ سیستان و بلوچستان دارای ۴۸ بخش، ۱۹ شهرستان، ۳۷ شهر، ۱۱۲ دهستان و ۹۸۳۹ آبادی که ۶۸۷۱ آبادی دارای سکنه و ۲۹۶۸ آبادی خالی از سکنه بوده است (نقشه ۱). بیشترین تعداد بخش مربوط به شهرستان‌های نیکشهر و سرباز هر کدام ۴ بخش و کمترین آنها مربوط به شهرستان زابل با ۱ بخش می‌باشد. بیشترین تعداد شهر را سراوان با ۵ شهر و کمترین آنها را شهرستان‌های دلگان، نیمروز، زهک، مهرستان (زابلی)، هیرمند، فنوج، قرقند و میرجاوه هر کدام بایک شهر دارا می‌باشند. بیشترین تعداد دهستان مربوط به شهرستان‌های نیکشهر، سرباز، خاش با ۱۱ دهستان و کمترین آنها زابل با ۱ دهستان می‌باشد بیشترین تعداد آبادی را زاهدان با ۱۸۴۱ و کمترین آنها زابل با ۹۷ آبادی دارا می‌باشند. مرتفع‌ترین شهر از سطح دریا در بین شهرهایی که دارای ایستگاه سینوپتیک هواشناسی می‌باشند،

مهاجرت شیعیان به خارج از استان	مأخذ: نگارنده
پراکندگی جمعیت و نرخ رشد جمعیت قومیت‌ها	
تعداد اتباع خارجی	
شبکه‌های ماهواره‌ای	
اعتیاد و معضلات ناشی از استعمال مواد مخدر	
اعتماد جامعه به حکومت	
جوان بودن جمعیت و بالا بودن ضریب تکفل	
حضور و جذب طلاب خارجی در مدارس و حوزه‌های علمیه اهل سنت از کشورهای همسایه	

مأخذ: نگارنده

#### جدول ۳- شاخص‌های امنیت اقتصادی

شاخص‌های امنیت اقتصادی	
قاچاق کالا و ارز و غیره	امنیت اقتصادی
بازارچه‌های مرزی	
نرخ بیکاری	
درآمد متغیر	
فقر مالی	
اشتغال و فرصت‌های شغلی توسط اتباع بیگانه	
محرومیت شهرستان در زمینه زیربناها	
کمبود آب و خشکسالی‌های پی در پی	
شغل‌های کاذب	
دوری از محورهای اصلی توسعه	
امنیت شغلی	

مأخذ: نگارنده

#### جدول ۴- شاخص‌های امنیت سیاسی

شاخص‌های امنیت سیاسی
----------------------

جستاری بر پدیده ناامنی و امنیت در استان سیستان و بلوچستان با رویکرد منطقه‌ای: تحلیل مبتنی بر عملکرد شهرستان

مقایسه زوجی بنا نهاده شده و امکان بررسی سناریوهای مختلف را به مدیران می‌دهد.

## ۸- تجزیه و تحلیل داده‌ها

ارزیابی امنیت توسط فرآیند تحلیل سلسله مراتبی و تکنیک AHP در هر یک از شهرستان‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است و داده‌های نهایی توسط نرم افزار Expert Choice تحلیل شده و به عنوان خروجی ضریب نهایی هر یک از معیارها، زیرمعیارها و گزینه‌ها (شهرستان‌ها) ارائه گردیده است. همان طور که در ادامه آمده ابتدا معیارها و زیرمعیارهای به دست آمده توسط پرسشنامه و مقایسه زوجی برای دستیابی ضریب اهمیتشان با توجه به هدف، مورد ارزیابی قرار گرفته و پس از آن شهرستان‌ها توسط پرسشنامه و مقایسه زوجی و بر اساس هر یک از زیرمعیارها بررسی شده‌اند. ضمناً پرسشنامه‌های مذکور توسط اساتید و مدیران و کارشناسان مسلط بر مباحث امنیت تکمیل گردیده است.

### ۸-۱- مرحله اول: ساختن سلسله مراتب

در اولین قدم، ساختار سلسله مراتبی مربوط به موضوع امنیت شامل: هدفها، معیارها، زیرمعیارها و گزینه‌ها ایجاد شده است.

۱-۱-۹- هدف: هدف از انجام این تکنیک، پهنه بندی امنیت در شهرستان‌ها (بر اساس بررسی خطرات موجود در هر شهرستان) می‌باشد.

۲-۱-۹- معیارها: معیارها شامل امنیت در چهار بُعد نظامی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.

۳-۱-۹- زیرمعیارها: زیرمعیارهای به دست آمده در زمینه امنیت در چهار بُعد نظامی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر مبنای مبانی نظری و پیشینه پژوهش بوده است که منطبق و مختص شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. به گونه‌ای که امکان دارد برای شهرستان دیگری با شرایط متفاوت مصداقی نداشته باشد. در جدول ۵ شاخص‌های مورد ارزیابی آورده شده که در این راستا زیرمعیارهای امنیت نظامی ۶ مورد، زیرمعیارهای امنیت اجتماعی ۱۵ مورد، زیرمعیارهای امنیت اقتصادی ۱۱ مورد و زیرمعیارهای امنیت سیاسی ۸ مورد می‌باشد.

شهرخاش و کم ارتفاع‌ترین آنها شهر چابهار است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، ۱۳۹۶).



نقشه ۱- تقسیمات کشوری استان سیستان و بلوچستان، (مأخذ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، ۱۳۹۶)

## ۷- روش شناسی

پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی و از نوع تحقیقات علمی می‌باشد و بر اساس ماهیت و روش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. ماهیت داده‌های مورد استفاده کمی است و شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات میدانی و اسنادی می‌باشد. چارچوب نگارش بر پایه رابطه متقابل شاخص‌های امنیت در ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی، جمع آوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی (مصاحبه) و تهیه پرسشنامه شکل گرفته است. که برای تحلیل داده‌های این قسمت از روش تحلیل و تکنیک AHP استفاده شده است. یکی از کارآمدترین تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند معیاره، فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) است که برای اولین بار توسط توماس ال ساعتی<sup>۱۲</sup> در سال ۱۹۸۰ مطرح شد. این تکنیک بر اساس

<sup>۱۲</sup> Thomas El Sacht

جدول ۵- شاخص‌های مورد ارزیابی در زمینه امنیت استان

امنیت نظامی	امنیت اجتماعی	امنیت اقتصادی	امنیت سیاسی
پادگان‌های نظامی	تأثیرپذیری مردم از فرهنگ بیگانگان (خصوصاً کشورهای افغانستان، پاکستان و هند) فقر فرهنگی و پایین بودن سطح سواد	قاچاق کالا و ارز و غیره	گروهک‌های مخالف حکومت مرکزی
کلانتری ها	تجهیزات و خودروهای پلیس (تعداد)	بازارچه‌های مرزی	گوناگونی سیاسی احزاب معاند
نیروهای نظامی در استان	افزایش تفکرات سلفی‌گری و وهابیت	نرخ بیکاری	فعالیت باندهای شرور و قاچاقچیان مواد مخدر انسان و کالا و غیره
پایگاه‌های مرزی	عدم یکپارچگی مذهب و تعدد طوایف و تضاد منافع اقوام و قبایل و مذاهب	درآمد متغیر	نفوذ سران طوایف و عشایر بلوچ
پایگاه‌های بسیج و سپاه	فرهنگ‌های عشیره‌ای و طایفه‌ای	فقر مالی	گسترده‌گی عدم کنترل مناسب و ناپایداری سیاسی در مرزها
وجود تهدیدات نظامی	بهداشت روانی	اشتغال و فرصت‌های شغلی توسط اتباع بیگانه	رفت و آمدهای غیر قانونی از مرزها
	قانون گریزی و حمل سلاح‌های غیر قانونی	محرومیت شهرستان در زمینه زیربنایها	همجواری با دو کشور متزلزل پاکستان و افغانستان
	مهاجرت شیعیان به خارج از استان	کمبود آب و خشکسالی‌های پی در پی	گذرگاه بین المللی مواد مخدر
	پراکندگی جمعیت و نرخ رشد جمعیت قومیت‌ها	شغل‌های کاذب	
	تعداد اتباع خارجی	دوری از محورهای اصلی توسعه	
	شبکه‌های ماهواره ای	امنیت شغلی	
	اعتیاد و معضلات ناشی از استعمال مواد مخدر		
	اعتماد جامعه به حکومت		
	جوان بودن جمعیت و بالا بودن ضریب تکفل		
	حضور و جذب طلاب خارجی در مدارس و حوزه‌های علمیه اهل سنت از کشورهای همسایه		

مأخذ: نگارنده

بسیج و سپاه در انتها قرار گرفته و در جمع ۵ عامل اصلی نمی‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد در زمینه امنیت نظامی وجود نیروهای نظامی در استان بدون در نظر گرفتن شاخه نظامی خاصی مهم‌ترین عامل می‌باشد و کمبود نیروهای نظامی در این استان می‌تواند ناامنی را تشدید کند. سازگاری به دست آمده ۰/۰۲ می‌باشد و  $0/1 \geq 0/02$  است، و این نتیجه سازگاری در قضاوت‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۷- ضریب اهمیت زیرمعیارهای امنیت نظامی

رتبه	ضریب اهمیت	زیرمعیارهای امنیت نظامی	نام اختصاری
۳	۰/۱۶۷	پادگان‌های نظامی	A1
۵	۰/۰۸۷	کلانتری‌ها	A2
۱	۰/۳۶۹	نیروهای نظامی در استان	A3
۴	۰/۱۲۶	پایگاه‌های مرزی	A4
۶	۰/۰۵۷	پایگاه‌های بسیج و سپاه	A5
۲	۰/۱۹۵	تهدیدات نظامی	A6
ضریب سازگاری: ۰/۰۲			

مأخذ: نگارنده

### ۳-۲-۹- ضریب اهمیت زیرمعیارهای امنیت اجتماعی

ضریب به دست آمده از زیرمعیارهای امنیت اجتماعی که شامل ۱۵ مورد می‌باشد در جدول ۸ ارائه شده است. بر مبنای نتایج به دست آمده از پرسشنامه ۵ عامل ابتدایی در این بُعد: ۱- اعتماد جامعه به حکومت، ۲- افزایش تفکرات سلفی‌گری و وهابیت، ۳- جوان بودن جمعیت و بالا بودن ضریب تکفل، ۴- حضور و جذب طلاب خارجی در مدارس و حوزه‌های علمیه اهل سنت از کشورهای همسایه، ۵- قانون-گریزی و حمل سلاح‌های غیر قانونی می‌باشد و سایر عوامل در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. طبق این نتایج آنچه که در این بُعد دارای اهمیت فراوانی می‌باشد تفکراتی است که به دلیل مجاورت با کشورهای پاکستان و افغانستان و هم‌چنین هم‌مذهب بودن کشورهای عربی با قوم بلوچ به استان وارد شده و بر افکار این قوم تأثیرگذار بوده است و گاهاً همین عوامل باعث قانون‌گریزی و حمل سلاح می‌شود. اعتماد جامعه به حکومت نیز از عوامل مهمی است که در صورت تحقق

از آنجا که روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره در خطاب با جامعه نخبگان به کار گرفته می‌شود، در این جا نیز اولویت کار براساس جامعه نخبگان در دسترس هستند که عمدتاً کارشناسان و مدیران آگاه به مسائل و مشکلات منطقه مورد مطالعه و هم‌چنین، اساتید دانشگاهی مجرب در زمینه ابعاد امنیت می‌باشند. برای اجرای این روش، محقق تعداد ۵ الی ۱۰ خبره را کافی دانسته است. در این پژوهش نیز برای هر یک از پرسشنامه‌های طراحی شده از همکاری ۱۰ نفر از خبرگان بهره گرفته شده است.

### ۲-۸- مرحله دوم: بررسی ضریب اهمیت معیارها

#### و زیر معیارها

#### ۱-۲-۹- ضریب اهمیت معیارها

ضریب به دست آمده از معیارها در چهار بُعد امنیت نظامی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی و امنیت سیاسی در جدول ۶ آورده شده است. براساس نتایج به دست آمده از نظر کارشناسان امنیت سیاسی بیش از سه بُعد دیگر امنیت در این استان دارای اهمیت می‌باشد و ضریب سازگاری به دست آمده ۰/۰۲ می‌باشد و  $0/1 \geq 0/02$  است، نتیجه حاصله نشان دهنده سازگاری در قضاوت هاست.

جدول ۶- ضرایب اهمیت و رتبه بندی معیارها

رتبه	ضریب اهمیت	معیار
۲	۰/۲۸۶	امنیت نظامی
۳	۰/۱۸۲	امنیت اجتماعی
۴	۰/۰۹۶	امنیت اقتصادی
۱	۰/۴۳۵	امنیت سیاسی
ضریب سازگاری: ۰/۰۲		

مأخذ: نگارنده

### ۲-۲-۹- ضریب اهمیت زیرمعیارهای امنیت نظامی

زیر معیارهای امنیت نظامی ۶ مورد می‌باشد و ضریب به دست آمده برای هر یک از این شاخص‌ها در جدول ۷ آورده شده است. طبق نتایج به دست آمده ۵ عاملی که دارای ضریب اهمیت بیشتر می‌باشند به ترتیب اولویت: ۱- نیروهای نظامی در استان، ۲- تهدیدات نظامی، ۳- پادگان‌های نظامی، ۴- پایگاه‌های مرزی، ۵- کلانتری‌ها است و شاخص پایگاه‌های

می‌تواند تأثیرات مثبتی در برقراری امنیت اجتماعی داشته می‌باشد،  $0/09 \geq 0/1$  است، و نتیجه حاصله نشان دهنده باشد. ضریب سازگاری به دست آمده در این قسمت  $0/09$  سازگاری در قضاوت هاست.

جدول ۸- ضریب اهمیت زیرمعیارهای امنیت اجتماعی

رتبه	ضریب اهمیت	زیرمعیارهای امنیت اجتماعی	نام اختصاری
۶	۰/۰۷۲	تأثیرپذیری مردم از فرهنگ بیگانگان (خصوصاً کشورهای افغانستان، پاکستان و هند) فقر فرهنگی و پایین بودن سطح سواد	B1
۱۱	۰/۰۴۸	تجهیزات و خودروهای پلیس (تعداد)	B2
۲	۰/۱۰۴	افزایش تفکرات سلفی‌گری و وهابیت	B3
۷	۰/۰۶۶	عدم یکپارچگی مذهب و تعدد طوایف و تضاد منافع اقوام و قبایل و مذاهب	B4
۸	۰/۰۶۱	فرهنگ‌های عشیره‌ای و طایفه‌ای	B5
۱۲	۰/۰۴۱	بهداشت روانی	B6
۵	۰/۰۷۴	قانون‌گریزی و حمل سلاح‌های غیر قانونی	B7
۱۰	۰/۰۵۱	مهاجرت شیعیان به خارج از استان	B8
۹	۰/۰۵۳	پراکندگی جمعیت و نرخ رشد جمعیت قومیت‌ها	B9
۱۴	۰/۰۳۷	تعداد اتباع خارجی	B10
۱۵	۰/۰۳۳	شبکه‌های ماهواره‌ای	B11
۱۳	۰/۰۴۰	اعتیاد و معضلات ناشی از استعمال مواد مخدر	B12
۱	۰/۱۴۸	اعتماد جامعه به حکومت	B13
۳	۰/۰۹۲	جوان بودن جمعیت و بالا بودن ضریب تکفل	B14
۴	۰/۰۷۸	حضور و جذب طلاب خارجی در مدارس و حوزه‌های علمیه اهل سنت از کشورهای همسایه	B15
ضریب سازگاری: $0/09$			

مأخذ: نگارنده

محورهای اصلی توسعه، ۴- فقر مالی، ۵- نرخ بیکاری است و سایر شاخص‌ها در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. این نتایج نشان می‌دهد در زمینه امنیت اقتصادی خشکسالی‌های چند سال اخیر که بعضاً برخی بیکاری‌ها نیز از آن نشأت می‌گیرد مهم‌ترین عامل می‌باشد و محرومیت و در حاشیه قرار گرفتن استان نسبت به مرکز نیز می‌تواند ناامنی اقتصادی را تشدید کند. سازگاری به دست آمده  $0/07 \geq 0/1$  می‌باشد و این نتیجه سازگاری در قضاوت‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۹- ضریب اهمیت زیرمعیارهای امنیت اقتصادی

رتبه	ضریب اهمیت	زیرمعیارهای امنیت اقتصادی	نام اختصاری
۸	۰/۰۶۰	فاچاق کالا و ارز و غیره	D1

جستاری بر پدیده ناامنی و امنیت در استان سیستان و

۱۰	۰/۰۴۸	بازارچه‌های مرزی	D2
۵	۰/۰۹۶	نرخ بیکاری	D3
۶	۰/۰۷۷	درآمد متغیر	D4
۴	۰/۱۱۶	فقر مالی	D5
۱۱	۰/۰۳۷	اشتغال و فرصت‌های شغلی توسط اتباع بیگانه	D6
۲	۰/۱۳۹	محرومیت شهرستان در زمینه زیربناها	D7
۱	۰/۱۸۳	کمبود آب و خشکسالی‌های پی در پی	D8
۹	۰/۰۴۹	شغل‌های کاذب	D9
۳	۰/۱۲۶	دوری از محورهای اصلی توسعه	D10
۷	۰/۰۶۹	امنیت شغلی	D11
ضریب سازگاری: ۰/۰۷			

مأخذ: نگارنده

و قدرت این افراد برای کنترل و سازماندهی قوم بلوچ بهره گیرد. هم چنین، دلایل دیگری که در این زمینه مؤثر است، عدم کنترل مناسب و ناپایداری سیاسی در مرزها و شکل‌گیری گذرگاه بین‌المللی مواد مخدر و رفت و آمدهای غیر قانونی از مرزها می‌باشد که در سطح استان تأثیرات منفی را اعمال کرده است. از نتایج منفی همجواری با دو کشور پاکستان و افغانستان، استقرار و رفت و آمد بلامانع تروریست‌ها در این کشورها می‌باشد و این عامل بارها امنیت استان را دچار آسیب‌های شدیدی نموده و در صورت عدم کنترل این مسأله تخریبات و ضررهای جبران ناپذیری برای استان به بار خواهد آورد. ضریب سازگاری به دست آمده ۰/۰۵ است،  $0/1 \geq 0/05$  می‌باشد و این نتیجه، سازگاری در قضاوت را بیان می‌کند.

۵-۲-۹- ضریب اهمیت زیرمعیارهای امنیت سیاسی

ضرایب زیرمعیارهای امنیت سیاسی که شامل ۸ مورد می‌باشند و در جدول ۱۰ آورده شده است. طبق نتایج به دست آمده ۵ عامل که بیش از دیگر عوامل دارای اهمیت می‌باشند و به ترتیب اولویت عبارتند از: ۱- نفوذ سران طوایف و عشایر بلوچ، ۲- گستردگی عدم کنترل مناسب و ناپایداری سیاسی در مرزها، ۳- گذرگاه بین‌المللی مواد مخدر، ۴- رفت و آمدهای غیر قانونی از مرزها، ۵- فعالیت باندهای شرور و قاچاقچیان مواد مخدر، انسان و کالا. نتایج حاصله بیانگر این مطلب می‌باشد که سران طوایف و عشایر بلوچ در حوزه امنیت سیاسی استان تأثیرات به‌سزایی دارند و دولت در صورت تمایل به برقراری امنیت سیاسی در سطح استان باید از نفوذ

جدول ۱۰- ضریب اهمیت زیرمعیارهای امنیت سیاسی

رتبه	ضریب اهمیت	زیرمعیارهای امنیت سیاسی	نام اختصاری
۶	۰/۰۸۰	گروهک‌های مخالف حکومت مرکزی	E1
۷	۰/۰۶۹	گوناگونی سیاسی احزاب معاند	E2
۵	۰/۱۰۲	فعالیت باندهای شرور و قاچاقچیان مواد مخدر انسان و کالا و غیره	E3
۱	۰/۲۵۳	نفوذ سران طوایف و عشایر بلوچ	E4
۲	۰/۱۷۳	گستردگی عدم کنترل مناسب و ناپایداری سیاسی در مرزها	E5
۴	۰/۱۱۷	رفت و آمدهای غیر قانونی از مرزها	E6
۸	۰/۰۶۳	همجواری با دو کشور متزلزل پاکستان و افغانستان	E7
۳	۰/۱۴۳	گذرگاه بین‌المللی مواد مخدر	E8
ضریب سازگاری: ۰/۰۵			

مأخذ: نگارنده

۰/۰۳۰	دلگان	C4
۰/۰۳۱	زابل	C5
۰/۰۳۳	مهرستان (زابلی)	C6
۰/۰۸۵	زاهدان	C7
۰/۰۳۵	زهک	C8
۰/۱۱۹	سراوان	C9
۰/۰۶۵	سرباز	C10
۰/۰۳۷	سیب و سوران	C11
۰/۰۲۹	فنوج	C12
۰/۰۳۳	قصرقند	C13
۰/۰۵۲	کنارک	C14
۰/۰۶۰	میرجاوه	C15
۰/۰۴۵	نیکشهر	C16
۰/۰۳۹	نیمریز	C17
۰/۰۴۲	هامون	C18
۰/۰۴۷	هیرمند	C19
سازگاری: ۰/۰۹		

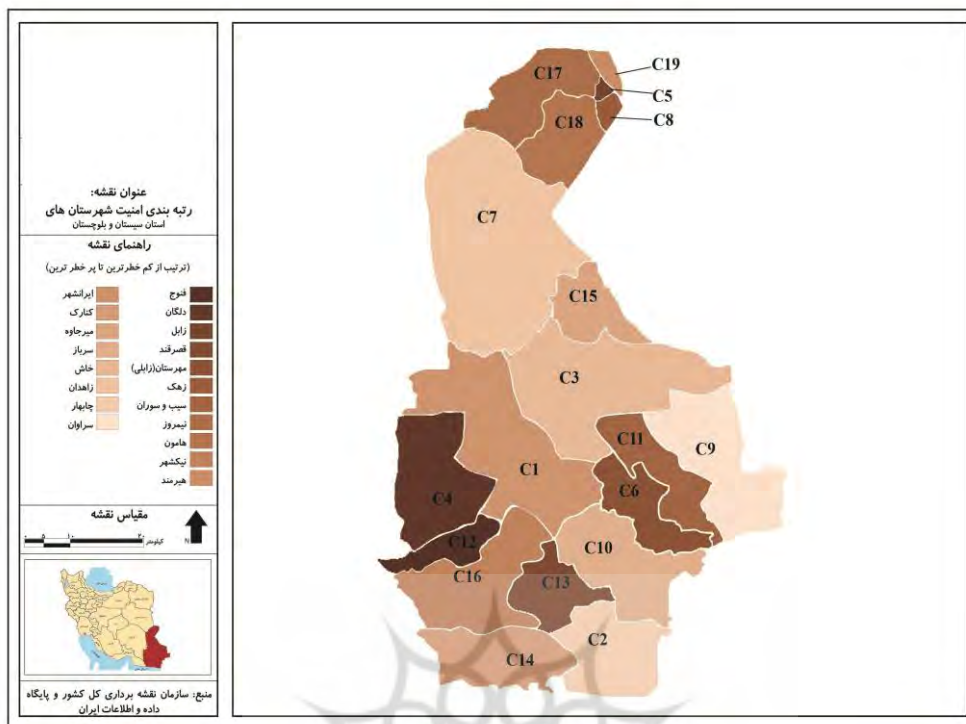
### ۹-۲-۶- امتیاز نهایی

نتایج به دست آمده در جدول ۱۱ میزان امتیاز نهایی شهرستان‌ها با توجه به جمع بندی ضرایب به دست آمده برای آنها در هر بُعد امنیت را نشان می‌دهد که به صورت شماتیک در نقشه ۲ ارائه می‌گردد. جدول به دست آمده بیانگر آن است که مجموع شاخص‌ها در هر چهار حوزه امنیت به ترتیب در شهرستان‌های سراوان، چابهار، زاهدان، خاش و سرباز بیشترین تأثیرگذاری را در جهت ایجاد خطر و در نتیجه ناامنی بیشتر در این مناطق نسبت به سایر شهرستان‌ها داشته است. ضریب سازگاری به دست آمده ۰/۰۹ می‌باشد،  $0/09 \geq 0/1$  است و این رابطه سازگاری در قضاوت‌ها را نشان می‌دهد. جدول ۱۱- امتیاز نهایی شهرستان‌ها با توجه به ابعاد و شاخص‌های امنیت\*

نام اختصاری	گزینه‌ها	ضریب اهمیت
C1	ایرانشهر	۰/۰۵۱
C2	چابهار	۰/۱۰۰
C3	خاش	۰/۰۶۸

(\* هر چه ضریب به دست آمده کمتر باشد آن

شهرستان در معرض خطر کمتر و امن تر بوده است.)



نقشه ۲- رتبه‌بندی امنیت شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان

### ۳-۸- رتبه بندی امنیت شهرستان‌ها

با توجه به این که در قسمت فوق برای هر شهرستان به تفکیک امنیت نظامی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و هم چنین، امنیت کلی به دست آورده شده است در جدول ۱۲ به رتبه بندی شهرستان‌ها پرداخته شده است که نمونه شماتیک آن در نقشه ۲ نشان داده شد. نکته قابل توجه این می‌باشد که نتایج تکنیک AHP همان طور که بیان شد، بین صفر و یک می‌باشد. حال در این پژوهش با توجه به شاخص‌های موجود هر چه ضرایب به دست آمده به یک نزدیک‌تر باشد شهرستان مورد نظر در معرض خطر بیشتری است و در نتیجه دارای امنیت کمتری می‌باشد. بر اساس نتایج حاصله در حوزه

امنیت نظامی بر اساس اولویت شهرستان‌ها فوج، قسرقند، زابل، مهرستان (زابلی) و زهک دارای بیشترین میزان امنیت و کمترین میزان خطر می‌باشند. در حوزه امنیت اجتماعی شهرستان‌های فوج، دلگان، قسرقند، مهرستان (زابلی) و زهک و در حوزه امنیت اقتصادی شهرستان‌های فوج، قسرقند، مهرستان (زابلی)، زابل و کنارک و در حوزه امنیت سیاسی شهرستان‌های زابل، دلگان، نیمروز، زهک و مهرستان (زابلی) به ترتیب اولویت نسبت به دیگر شهرستان‌ها دارای امنیت بیشتری می‌باشند. در بررسی مجموع شاخص‌های امنیت در هر شهرستان نیز فوج، دلگان، زابل، قسرقند و مهرستان (زابلی) به ترتیب دارای بیشترین میزان امنیت و کمترین میزان خطر می‌باشند.

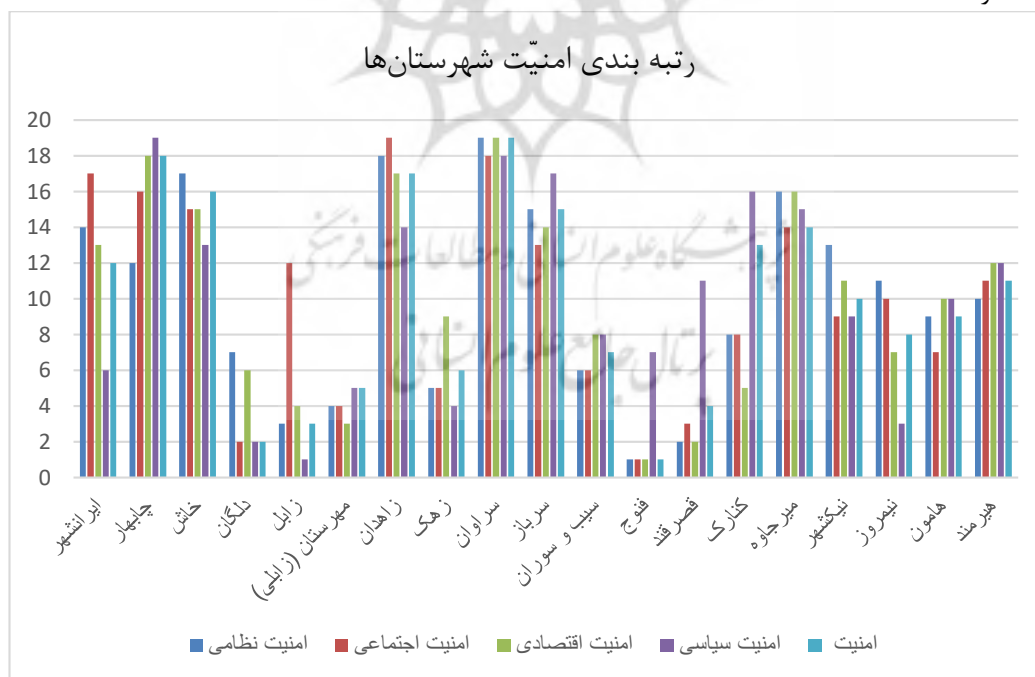
جدول ۱۲- رتبه بندی امنیت شهرستان‌ها (از کم خطرترین تا پر خطرترین)

شهرستان	امنیت نظامی		امنیت اجتماعی		امنیت اقتصادی		امنیت سیاسی	
	رتبه	ضریب	رتبه	ضریب	رتبه	ضریب	رتبه	ضریب
ایرانشهر	۱۴	۰/۰۵۵	۱۷	۰/۰۷۸	۱۳	۰/۰۵۸	۶	۰/۰۳۵
چابهار	۱۲	۰/۰۵۱	۱۶	۰/۰۷۷	۱۸	۰/۱۰۰	۱۹	۰/۱۰۰
خاش	۱۷	۰/۰۸۴	۱۵	۰/۰۷۲	۱۵	۰/۰۶۰	۱۳	۰/۰۵۷



۲	۰/۰۳۰	۲	۰/۰۲۶	۶	۰/۰۳۶	۲	۰/۰۲۲	۷	۰/۰۳۹	دلگان
۳	۰/۰۳۱	۱	۰/۰۲۶	۴	۰/۰۳۱	۱۲	۰/۰۵۱	۳	۰/۰۲۵	زابل
۵	۰/۰۳۳	۵	۰/۰۳۴	۳	۰/۰۳۰	۴	۰/۰۲۹	۴	۰/۰۳۴	مهرستان (زابلی)
۱۷	۰/۰۸۵	۱۴	۰/۰۵۸	۱۷	۰/۰۷۷	۱۹	۰/۱۲۰	۱۸	۰/۱۰۸	زاهدان
۶	۰/۰۳۵	۴	۰/۰۳۴	۹	۰/۰۴۰	۵	۰/۰۳۱	۵	۰/۰۳۷	زهک
۱۹	۰/۱۱۹	۱۸	۰/۱۲۳	۱۹	۰/۱۱۶	۱۸	۰/۱۰۰	۱۹	۰/۱۲۵	سراوان
۱۵	۰/۰۶۵	۱۷	۰/۰۷۴	۱۴	۰/۰۵۹	۱۳	۰/۰۵۹	۱۵	۰/۰۵۶	سرباز
۷	۰/۰۳۷	۸	۰/۰۳۷	۸	۰/۰۳۸	۶	۰/۰۳۲	۶	۰/۰۳۹	سیب و سوران
۱	۰/۰۲۹	۷	۰/۰۳۶	۱	۰/۰۲۵	۱	۰/۰۲۱	۱	۰/۰۲۴	فنوج
۴	۰/۰۳۳	۱۱	۰/۰۴۱	۲	۰/۰۲۹	۳	۰/۰۲۶	۲	۰/۰۲۵	قصرقند
۱۳	۰/۰۵۲	۱۶	۰/۰۶۹	۵	۰/۰۳۶	۸	۰/۰۴۰	۸	۰/۰۴۱	کنارک
۱۴	۰/۰۶۰	۱۵	۰/۰۵۹	۱۶	۰/۰۶۶	۱۴	۰/۰۶۲	۱۶	۰/۰۵۸	میرجاوه
۱۰	۰/۰۴۵	۹	۰/۰۳۸	۱۱	۰/۰۵۳	۹	۰/۰۴۶	۱۳	۰/۰۵۲	نیکشهر
۸	۰/۰۳۹	۳	۰/۰۲۸	۷	۰/۰۳۸	۱۰	۰/۰۴۷	۱۱	۰/۰۵۱	نیمروز
۹	۰/۰۴۲	۱۰	۰/۰۴۱	۱۰	۰/۰۴۸	۷	۰/۰۳۷	۹	۰/۰۴۵	هامون
۱۱	۰/۰۴۷	۱۲	۰/۰۴۲	۱۲	۰/۰۵۸	۱۱	۰/۰۴۸	۱۰	۰/۰۵۱	هیرمند

مأخذ: نگارنده



نمودار ۲- رتبه بندی امنیت شهرستان‌ها (از کم خطرترین تا پر خطرترین)

## ۹- نتیجه گیری

- برای هر شهرستان به تفکیک امنیت نظامی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و هم چنین، امنیت کلی به دست آورده شده است. امنیت نظامی و امنیت اجتماعی با معیارهای مطرح شده به دلیل ارتباط تنگاتنگ آن با هم و با توجه به رویکرد پژوهش می‌تواند نگاهی متفاوت و خارج از نگاه‌های کلیشه‌ای به موضوع امنیت داشته باشد. نکته قابل توجه این می‌باشد که نتایج تکنیک AHP همان طور که بیان شد، بین صفر و یک می‌باشد. حال در این پژوهش با توجه به شاخص‌های موجود هر چه ضرایب به دست آمده به یک نزدیک‌تر باشد شهرستان مورد نظر در معرض خطر بیشتری است و در نتیجه دارای امنیت کمتری می‌باشد. بر اساس نتایج حاصله در حوزه امنیت نظامی بر اساس اولویت شهرستان‌ها فنوج، قصرقند، زابل، مهرستان (زابلی) و زهک دارای بیشترین میزان امنیت و کمترین میزان خطر می‌باشند. در حوزه امنیت اجتماعی شهرستان‌های فنوج، دلگان، قصرقند، مهرستان (زابلی) و زهک و در حوزه امنیت اقتصادی شهرستان‌های فنوج، قصرقند، مهرستان (زابلی)، زابل و کنارک و در حوزه امنیت سیاسی شهرستان‌های زابل، دلگان، نیمروز، زهک و مهرستان (زابلی) به ترتیب اولویت نسبت به دیگر شهرستان‌ها دارای امنیت بیشتری می‌باشند. در بررسی مجموع شاخص‌های امنیت در هر شهرستان نیز فنوج، دلگان، زابل، قصرقند و مهرستان (زابلی) به ترتیب دارای بیشترین میزان امنیت و کمترین میزان خطر می‌باشند. مجموع شاخص‌ها در هر چهار حوزه امنیت به ترتیب در شهرستان‌های سروان، چابهار، زاهدان، خاش و سرباز بیشترین تأثیرگذاری را در جهت ایجاد خطر و در نتیجه ناامنی بیشتر در این مناطق نسبت به سایر شهرستان‌ها داشته است.
- تقویت هویت ملی و منطقه‌ای در برابر هویت قومی با هدف جذب نیروهای بومی در مسئولیت‌ها و مدیریت‌ها؛
  - تقویت جریان بومی سازی امنیت با مشارکت گروه‌های مردم اعم از بلوچی، سیستانی، شیعه و سنی؛
  - تلاش برای بهینه سازی و افزایش رونق مناطق آزاد تجاری در جهت رونق اقتصادی در محل و اشتغال-زایی، قانونمندی کردن ورود و خروج افراد؛
- رفع نابرابری‌ها و تبعیض‌های اجتماعی-اقتصادی در جهت اعتمادسازی و وفاداری بیشتر مردم به دولت مرکزی و نظام سیاسی؛
  - تلاش در جهت برقراری امنیت در مرزها و کنترل و تقویت واپایش مناطق مرزی؛
  - افزایش همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی و نظامی با کشورهای پاکستان و افغانستان در جهت مدیریت بهینه درون مرزی و برون مرزی؛
  - تلاش برای رفع نابرابری‌های منطقه‌ای و شکاف اقتصادی؛
  - تلاش در جهت تقریب مذاهب اسلامی و ایجاد وحدت بین آنها در راستای جلوگیری از گسترش وهابیت در استان؛
  - نهادینه کردن عدم تمرکز بر مذهب و هویت سیاست تکثیرگرایی برابر در پیش گرفته شود تا مشارکت همه جانبه اقوام را در سطوح ملی مهیا نمایند؛
  - نگاه جامع به چهار مؤلفه امنیت که به هم گره خورده‌اند تا در مسائل امنیتی به یک امنیت پایدار با تأکید بر امنیت نظامی برسیم؛

- بوزان، باری. (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- توفیق، فیروز. (۱۳۷۲)، تحلیل عاملی تلفیق شاخص‌های منطقه‌ای، مجله آبادی، ص ۴۰.
- جهان بزرگی، احمد. (۱۳۸۸)، امنیت در نظام سیاسی اسلام؛ اصول مؤلفه‌ها، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- داوری اردکانی، رضا. شاکری، رضا. (۱۳۸۸)، امنیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول.
- ربیعی، علی. (۱۳۸۳)، مطالعات امنیت ملی، چاپ دوم، تهران: وزارت خارجه.
- زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۰)، کاربرد فرآیند تحلیل سلسله مراتبی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، مجله هنرهای زیبا، دوره دهم، زمستان.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، (۱۳۹۶).
- قدسی پور، سید حسن. (۱۳۸۰)، مباحثی در تصمیم‌گیری چند معیاره، تهران: انتشارات دانشگاه امیر کبیر، چاپ سوم.
- ماندل، رابرت. (۱۳۸۷)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- مختاری، مریم؛ بلالی، اسماعیل؛ میرفردی، اصغر و حسینی اخگری، معصومه. (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۱(۲)، ۲۱-۴۰.
- ضرابی، اصغر؛ شرفی، زکیه و زنگنه، مهدی. (۱۳۹۱)، سنجش عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان شهر مشهد با تأکید بر عملکرد پلیس و رسانه‌های جمعی، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۱(۲)، ۱۰۵-۱۲۳.
- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ یاری، منیر؛ فراهانی، راضیه و صحرائی، احمد. (۱۳۹۲)، احساس امنیت شهروندان و عملکرد پلیس: مورد مطالعه شهر زاهدان، فصلنامه انتظام اجتماعی، ۱(۱)، ۷-۳۶.
- زین‌العابدین، یوسف؛ نظری، رضوان و احمدی ارکمی، ابوطالب. (۱۳۹۱)، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت شهروندی در شهر رشت، فصلنامه انتظام اجتماعی، ۴(۲)، ۷۵-۹۴.
- عادل، علیرضا. (۱۳۹۱)، ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در برقراری نظم و امنیت شهرستان بم با رویکرد مدیریت بحران، پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)، ۷(۲)، ۲۵۳-۲۸۱.
- یآوری بافقی، امیرحسین؛ صالحی صدقیانی، جمشید و هاشمی، صدیقه سادات. (۱۳۸۹)، تعیین تأثیر قاچاق موادمخدر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (امنیت ملی)، پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)، ۵(۴)، ۶۰۷-۵۸۵.
- تاجران، عزیزاله و کلالی، حسن. (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی، پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)، ۴(۴)، ۵۶۱-۵۸۶.

- محمدی، علی؛ امیری، یاسر و جوهر، محمود. (۱۳۹۳)، اولویت‌بندی وضعیت شاخص‌های امنیت اجتماعی و رتبه-بندی استان‌های کشور از نظر سطح امنیت اجتماعی با استفاده از روش تحلیل رابطه‌ای خاکستری، فصلنامه انتظام اجتماعی، ۶(۳)، ۷-۳۴.

- Bowen, W. M., (1993). AHP: Multiple Criteria Evaluation in Klosterman. New Brunswick: Center for Urban Policy Research.
- Nesadurai, Helen E S. (2005). "Conceptualising Economic Security in an Era of Globalisation: What Does the East Asian Experience Reveal?", CSGR Working Paper No. 157/05 February, Available at: [http://wrap.warwick.ac.uk/1963/1/WRAP\\_Nesadurai\\_wp15705.pdf](http://wrap.warwick.ac.uk/1963/1/WRAP_Nesadurai_wp15705.pdf).
- Osberg, Lars. (2009). "Measuring Economic Security in Insecure Times: New Perspectives, New Events, and the Index of Economic Well - Being", Centre for the Study of Living Standards, Csls Research Report, 12.
- Udovič, Boštjan, "Economic Security: Large and Small States in Enlarged European Union", University of Ljubljana, Faculty of Social Sciences, Centre of International Relations. Available at: <http://www.ceeisaconf.ut.ee/orb.aw/class=file/action=preview/id=164145/Udovic.doc>
- Waever, Ole. (1995); "Securitization and Desecuritization", in Lipschutz, Ronnie D., On Security, New York: Columbia University Press.
- Olsen, B And J, Hovden (2007). Societal Safety: Concept, Borders And Dilemmas, Journal Of Contingencies And Crisis Management, 15, 235-246.

